

آینده جنگ امریکا در افغانستان، برد یا باخت؟

در مقاله "پیروزی و شکست" دلایلی برای شکست امریکا در جنگ افغانستان تا همان لحظه ای که آن مقاله نوشته شد ارائه گردید. در این مقاله - اما - قصد بر آن است که به نتیجه جنگ امریکا در افغانستان در آینده پرداخته شود.

نتایج جنگ ها معمولاً به دو چیز بستگی دارد: یکی اقتصاد قوی و دیگر اراده سیاسی محکم.

در طرف امریکا در حال حاضر هیچ کدام این ها آنگونه که سرنوشت جنگ را به نفع این کشور رقم بزند وجود ندارد. طرف دیگر که طالب - پاکستان باشند از نگاه اقتصادی به هیچ وجه قابل مقایسه با امریکا نمی باشند، ولی از لحاظ اراده اگر این گروه و این کشور مورد دقت قرار داده شوند، دیده خواهد شد که هر دو دارای اراده محکم و حوصله فراخ برای برنده شدن در این جنگ هستند.

اختلافات ده سال اخیر میان دو حزب بزرگ سیاسی امریکا، اختلافات رو به افزایش میان مردم و دولت و میان ارگان های مختلف دولتی یا میان مسئولین سیاست جنگی امریکا در افغانستان (برخی از جنرالان نظامی با حکومت بر سر شیوه ها یا تاکتیک های جنگی و ... در افغانستان هرازگاهی اختلاف پیدا کرده اند) در گذشته و حال شاید بر هیچ کدام از ما پوشیده نباشد. همینطور بحران اقتصادی امریکا چیزی نیست که ما از آن بی اطلاع باشیم.

وجود اختلافات نشانه عدم اراده واحد سیاسی قوی است. چنین امری در جوامع دموکراتیک طبیعی است. زیرا چنین امری از ماهیت نظام منشأ می گیرد. این تبیین تنها بیان یک واقعیت است و نه موضعگیری بر سر خوبی و بدی نظام!

و اما بحران اقتصادی:

بحران اقتصادی امریکا که در سال 2007 آغاز شده بود بعد از افت بازار مسکن و رکود قیمت املاک و مستغلات در این کشور اینک به جایی رسیده است که برخی از منابع آن را آخرالزمان اقتصاد امریکا می خوانند.

قرار گرفته و نوشته بعضی از منابع بحران مذکور در سال 2009 باید کاهش یافته باشد، ولی واقعیت این است که بحران یاد شده از زمان شروع تا امروز نه فقط کاهش نیافته است، که هر سال بیشتر از پیش نیز شده است. اخیراً آقای اوباما رئیس جمهور این کشور خود به این امر اعتراف نموده گفته است که " اقتصاد امریکا در ماه های آینده بادمخالف را تجربه خواهد کرد."

مجله " پولیتکو " منتشره امریکا طی یک مقاله ای نوشته است که " دولت فدرال قادر به بازپرداخت بدهی های خود نمی باشد. ... دولت باید هزینه های خود را کاهش بدهد. ... عدم پرداخت سود وام دهندگان، سبب افزایش بدهی های دولت فدرال شده است. و..."

مجله مذکور در جای دیگری اضافه می کند: "آمریکا در نهایت مجبور خواهد شد با پرداخت سر رسید اوراق قرضه، نرخ بهره بیشتر را پرداخت کند. این نگرانی، به هیچوجه نباید دست کم گرفته شود چرا که افزایش يك درصد پرخ بهره، چیزی بیش از 100 میلیارد دلار در سال برای مالیات دهندگان آمریکا بی تمام خواهد شد.

این نکته را هرگز نباید از خاطر ببریم که این میزان کمتر از آن چیزی است که دولت در این ماه قرض خواهد کرد. و این به نوعی بدتر از سناریوی پیشین است.

در سال 1997، دولت فدرال در نتیجه بن بست ناشی از سقف بدهی (و دیگر مشکلات فنی)، نتوانست اراض خود را پرداخت کند. در نتیجه 0.60 درصد نرخ بهره ها افزایش یافت.

اوضاع اقتصادی کنونی آمریکا بدتر از اوضاع اقتصادی کشورهای اروپایی همچون یونان است."

به گزارش های بیشتر در این خصوص توجه کنید:

صدای آمریکا:

" بدهی آمریکا از مرز ۱۴ تریلیون دلار گذشت و به بالاترین سطح خود در تاریخ رسید..."

وزارت کار آمریکا:

"یورواز 1.3567 دلار در ساعات پایانی روز چهارشنبه به 1.3604 دلار در ساعات پایانی روز پنجشنبه افزایش یافت. پوند انگلیس نیز از 1.6092 دلار به 1.6174 دلار افزایش یافت."

شعبه مطالعات بازنشستگان آمریکا:

"بیش از 20 درصد از افراد مورد مطالعه اعلام کردند که به دلیل اوضاع بد اقتصادی مجبور شده اند که تمامی پول خود را از حساب بازنشستگی بیرون بکشند. 19 درصد از آنها هم چنان اعلام نمودند که مجبور شده اند از دوست یا از اعضای خانواده خود پول قرض کنند."

سایت انترنتی وزارت کار آمریکا:

"نرخ بیکاری با کمی تغییر (با افزایش 18000 بیکار در ماه جون 2011 به رقم قبلی - توضیح نویسنده این مقاله) به 9.2 در صد رسید..."

(لازم به تذکر است که نرخ بیکاری در زمان آغاز کار اوپاما به حیث رئیس جمهور در آمریکا 7.2 درصد بود، ولی امروز بیکاران واجد شرایط کار در آمریکا به 9.2 در صد می رسد.)

بیبیسی:

"به گفته دفتر بودجه کنگره، کسر بودجه دولت آمریکا در سال جاری به یک تریلیون و 480 میلیارد دلار خواهد رسید که معادل 9 و هشت دهم (تقریباً ده در صد تولید اقتصادی، توضیح نویسنده) درصد تولید اقتصادی این کشور است." (یک تریلیون برابر است با هزار میلیارد.)

نیورک تایمز از قول وزیر خزانه داری آمریکا:

" کسر بودجه آنقدر زیاد است که ذخایر ارزی دلار موجود، نمی‌تواند آنرا پرداخت کند و مخارج این کسر بودجه اجازه نمی‌دهد کارمندان آمریکایی بر سرکارهای خود بازگردند."

همین مرجع:

"قرار یک گزارش دیگر وزارت خزانه داری آمریکا برآورد کرده است که دولت فدرال چیزی نزدیک به 203 میلیارد دلار عواید مالی را در ماه آگوست جمع آوری خواهد کرد تقریباً 36 میلیارد دلار در 3 روز اول ماه آگوست. اما بنابر برآوردهای دولت، در طول ماه آگوست انتظار می‌رود 307 میلیارد دلار هزینه شود. این مشکل اصلی ما است."

زود دویچه سائیتونگ بنابر تحلیلی که به قلم یکی از مفسرین خویش، آقای " ریمر کلور " درمورد بحران اقتصادی آمریکا به نشر سپرده است می‌گوید:

"به این ترتیب در چنین شرایطی بحران بدهی ها در آمریکا یک بحران جدی تری را نیز به همراه خواهد داشت که آن شکست سیستم سیاسی آمریکا است."

باز هم بی بی سی:

"... بنابر این گزارش بدهی دولت آمریکا تا سال 2021 از 62 درصد کنونی به 77 درصد افزایش خواهد یافت. دفتر بودجه همچنین تاکید کرد که نگران ادامه عدم سلامت مالی کشور پس از سال 2021 است."

فارنپالیسی، یک مجله امریکائی:

"پیشنهاد "رابرت گیتس" که علاوه بر تعطیلی مقر فرماندهی نیروهای مشترک در ویرجینیا جنوبیشمال تعطیلی "اداره تغییر و تحول اداری" وزارت دفاع، "دفتر یک سانسازیشبکه های اینترنتی و اطلاع رسانی"، کاهش شمار پیمانکاران، افسران ارشد و کارمندان اداری پنتاگون نیز است، تنها چند هفته پس از آن مطرح شد که پیش نهاد کنگره برای کاهش 8 میلیاردی بودجه دفاعی سال آینده، در "کمیته تخصیص بودجه" سنا مطرح شد."

سایت اینترنتی گلوبال ریسرچ:

"بر اساس نوشته "ردی آناند" اخیراً نشریه لایفساینس ارقامیرا منتشر کرده است که نشان می‌دهد ایالات متحده آمریکا یک پنجم بودجه خود را صرف امور نظامی می‌کند."

حال با توجه به این گزارش ها که به مثابه مستی از خروار از آن یاد شد آیا آمریکا قادر به ادامه جنگ در افغانستان تا شکست کامل گروه های سه گانه طالب - حکمتیار - حقانی (پاکستان) خواهد بود؟

نا گفته نباید گذاشت که آمریکا در حال حاضر تنها در افغانستان و عراق و لیبی (اضافه بر میلیون ها دالر کمک به مخالفان قذافی) عملاً درگیر جنگ و تأمین مصارف جنگی نمی باشد. آمریکا امروز علاوه بر جنگ هائی که خودش در آن مستقیماً خالت دارد به شکل غیر مستقیم یا به گونه نامرعی از دولت هائی مانند دولت یمن و پاکستان و غیره در جنگ با شورشیان ضد این دولت ها و افراتیونی

مانند القاعده و طالبان و ... در افغانستان و یمن و پاکستان نیز حمایت اقتصادی - نظامی - سیاسی می کند.

برای حمایت چنین دولت ها امریکا ناگزیر است باز هم - باوجود مشکلات و بحران های اقتصادی خود- دهن کیسه را شل کند. گذشته از این، جنگ های استخباراتی امریکا نیز مستلزم هزینه های کلان می باشد که سبب وارد نمودن فشار بیشتر و مضمحل کنند تری به اقتصاد از نفس افتاده این کشور می شود. از همه بالاتر کمک های چندین میلیارد دلاری این کشور به کشور های مانند اسرائیل و اردن و ترکیه و مصر و ... می باشد که با توجه به اقتصاد فعلی امریکا تأمین بیشتر آن یقیناً برای این کشور عاری از مشکل و خطر نیست.

اگر به گراف مجموع مصارف امریکا در افغانستان - از سال 2001 تا سال 2011 - توجه کنیم، خواهیم دید که مجموع مصارف امریکا در سال 2001 نزدیک یا چیزی بیشتر از بیست میلیارد دلار نبود. این رقم تا سال 2006 تقریباً ثابت ماند، ولی امروز - سال 2011 - مصارف امریکا در افغانستان بالغ بر چیزی بیشتر از 117 میلیارد دلار می شود.

یو اس آ تودی (USA TODAY) در این مورد می نویسد که " در سال مالی 2011 مصارف افغانستان 117 میلیارد دلار پیش بینی شده است."

به گزارشی از لوموند دیپلماتیک در این زمینه نیز دقت کنید:

"110 میلیارد دلار فقط یکی از بسته هزینه هایی بوده است که دولت واشنگتن در سال جاری برای افغانستان انجام داده است. این عدد بیشتر از هزینه هایی است که هر سال امریکا در افغانستان انجام میداد. این در حالی است که باراک اوباما رئیس جمهوری امریکا ابراز امیدواری کرده بود که در هر سال هزینه های مربوط به جنگ را کاهش دهد.

اوباما در نظر داشت که نیروهای 97000 نفری خود در افغانستان را از ماه جولای گذشته کاهش دهد، اما هرگز ماهیت و اندازه اینکاهش مشخص نشد. در اینجا بخشی از اعداد و ارقام مربوط به هزینه های جنگ افغانستان برای امریکا را مشاهده میکنیم.

به دلیل آن که امریکا در سال 2001 پس از حملات 11 سپتامبر تصمیم گرفت طالبان را از افغانستان بیرون براند، کنگره امریکا 386 میلیارد دلار تا کنون برای جنگ افغانستان اختصاص داده است.

هزینه های هر سرباز در هر سال در افغانستان از 507000 دلار در سال 2009 به 667000 دلار در سال 2010 و 697000 دلار در سال جاری افزایش یافته است. برخی اعتقاد دارند این افزایش هزینه های به دلیل به کارگیری سربازان بیشتر، افزایش تعداد عملیات و توسعه زیر ساخت ها بوده است."

اشرف غنی احمدزی می گوید:

"برای مصارف و تجهیز بیشتر و بهتر ارتش و پولیس افغانستان در سه سال آینده به بیست میلیارد دلار دیگر ضرورت است."

فراموش نکنید که این رقم تنها برای مصارف عسکر و پولیس افغانستان است و شامل مصارف بازسازی و نوسازی و... و مصارف جنگ و نیروهای نظامی امریکا مستقر در افغانستان و هزینه های استخباراتی و... این کشور نیست.

با توجه به چنین وضعیتی - اقتصاد خراب، مصارف سرسام آور انواع جنگ ها و انواع کمک ها در سراسر جهان، چند دستگی در میان مسئولین امور و دولت در امریکا، کاهش پشتیبانی و مخالفت مردم امریکا از برنامه های جنگ طلبانه و هزینه های بیجا و غیر ضروری دولت های این کشور و بالاخره مخالفت های جهانی با برنامه های توسعه طلبانه امریکا - آینده جنگ امریکا را چگونه باید ترسیم کرد؟ شکست، یا پیروزی؟

نویسنده این سطور، اگرچه خواهان بازگشت هیچ گروهی تندرو، متعصب، بنیادگرا و نوکر اجنبی در عرصه سیاست و تصمیمگیری در افغانستان نیست و نه خواهان بازگشت اوباشان فاسد و جانی آزموده شده که فعلاً بخشی از دولت را تشکیل می دهند می باشد، با توجه به واقعیت های موجود به صفت یک انسان واقعگرا، نه یک انسان ائدیالیست، به این باور است که امریکا همانگونه که در ویتنام جنگ را باخت در افغانستان نیز جنگ را خواهد باخت.

آینده افغانستان حتی با تقویه و تجهیز نیرو های نظامی - انتظامی افغانستان هم چندان مطمئن کننده به نظر نمی رسد؛ زیرا تشکل عسکری و پولیس کشور از تجمع افراد مربوط به همان و همین تنظیم هائی بوجود آمده است که بر سر هیچ امری ملی نه تنها توافق ندارند و هیچوقت توافق نداشته اند، که غالباً یا خود یا رسانه های مربوط به این ها به مثابه ستون پنجم کشور های همسایه در صدد ایجاد نفاق و دشمنی میان اقوام و تخریب و تجزیه کشور نیز بوده و هستند. لطفاً مصاحبه شرافگانه، تحریک آمیز و دستوری اخیر تلویزیون بیات با والی کابل را یک بار تماشا کنید!

این دسته ها همیشه با هم مشکل داشته اند. همین اکنون هم مشکل دارند. تنها وجود و حضور نیرو های خارجی است که این ها را به یک شکل زیر یک سقف جمع نموده است. هر زمانی که این نیرو یا فشار این نیرو ها از سر این دسته های شرافگن، ماجراجو، جانی، فاسد و بیگانه پرست افغانستان ستیز برداشته شود باز هم همان آتش و همان کاسه خواهد بود که در دهه 90 میلادی در کشور ما وجود داشت.

هر بخشی از این تشکل (پولیس و اردو) جانب تنظیم و رهبر و قوماندان خود را خواهد گرفت و نه تنها این تشکل از هم خواهد پاشید، که باز هم با تأسف و تألم همان محشری سال های اول پیروزی به اصطلاح مجاهدین در کشور برپا خواهد شد.

این هم شکست دیگری است که باید به پای امریکا محاسبه شود.

و اما برای نجات خاک و مردم از دست تعصب و اوباشان متعصب و فاسد و جانی و بیگانه پرست افغانستان و افغان

ستیز و انواع مداخلات بیگانگان باید به بحث جداگانه ای
پرداخته شود، اگر وقت یاری کرد!